

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

چریکهای فدائی خلق ایران
۱۶ اگست ۲۰۲۱



مردم افغانستان در چنگال امپریالیسم امریکا و مزدورانش!

بار دیگر، جهان شاهد پیشبرد پرده جدیدی از یکی از رسواترین و کثیف ترین سیاستهای ستمگرانه و سرکوبگرانه امپریالیسم امریکا علیه خلقهای تحت ستم افغانستان است. صحنه های دردناک آوارگی و دربدری و فرار از جنگ، گریه کودکان بی پناه و گرسنه و آواره و به اسارت گرفتن زنان و کودکان دختر، توسط طالبان مزدور، که خود، دست پرورده امپریالیسم امریکا می باشد، گوشه هایی از نتایج این سیاست ضد مردمی امپریالیستی را به نمایش می گذارد.

به دنبال چراغ سبزی که با خروج نیروهای نظامی امریکا و ناتو از افغانستان به دار و دسته طالبان و حامیان آنها یعنی دولتهای وابسته پاکستان و جمهوری اسلامی داده شد، نیروهای طالبان، این دار و دسته اسلامی دستساز امپریالیسم امریکا در روزهای اخیر به سرعت به پیشروی در خاک افغانستان پرداخته اند؛ و با توجه به این که ارتش امریکا ساخته افغانستان و نیروهای دولتی، کمترین مقاومت چشمگیری در مواجهه با این نیروها از خود نشان نمی دهند، توانسته اند نواحی تحت کنترل خود را گسترش داده و دهها مرکز والسوالی ها (شهرها و شهرکها) و ولایات (استانها) مهم نظیر "هرات"، "غزنی"، و قندهار"، "لشکرگاه" و را تصرف نموده و به چند ده کیلومتری کابل برسند.

در برخورد به فجایع وحشتناکی که مردم افغانستان با آن روبه رو شده اند در رسانه های امپریالیستی از یک طرف به امپریالیسم امریکا (که با حمله به افغانستان، آن کشور را مستقیماً به تصرف خود در آورده بود) ایراد گرفته می شود که چرا نیروهای خود را از آن کشور بیرون بُرد و از طرف دیگر مقامات امریکائی دلایلی را مبنی بر درستی کارشان ارائه می دهند. با طرح چنین برخوردی این رسانه ها به واقع می کوشند، صرفاً طالبان را مسؤول ترور و وحشت و اعمال شدیداً ارتجاعی که امروز مردم تحت ستم افغانستان با آن مواجه شده اند، جلوه دهند. اما اولاً توجه به برخی از رویدادها و از جمله مذاکرات امریکا با طالبان در قطر به ریاست زلمی خلیلزاد (یکی از مزدوران امریکا که زمانی سفیر امریکا در افغانستان بود) و آزادسازی ۵ هزار از نیروهای طالبان از زندان دولت حاکم در جریان مذاکرات قطر،

بروشنی بیانگر آن است که امریکا پیشاپیش بعد از بردن نیروهایش، خواهان تغییر توازن نیرو در بین مهره های رنگارنگ خود در افغانستان و تحویل این کشور به طالبان به مثابه نیروی اسلامی مزدور شد.

ثانیاً یکی از سؤالاتی که در این تحولات، تعجب جهانیان را برانگیخته عدم مقاومت و بی مصرفی ارتش ۳۰۰ هزار نفری ست که به دنبال اشغال افغانستان توسط امریکا و ناتو با صرف میلیاردها دلار از ثروتها و منابع توده های این کشور و به قیمت تحمیل فقر و فلاکت به این توده ها، ظاهراً برای حفاظت از مردم و مقابله با تروریستها درست شده و آموزش یافته بود. در حالی که همگان شاهدند که این ارتش مقاومت چشمگیری در مقابل طالبان از خود نشان نداده و نمی دهد. از طرف دیگر به رغم سازمان یابی و تسلیح هزاران نیروی مردمی و به ویژه زنان آزاده و دلیر افغان که در مناطق مختلف برای دفاع از جان و مال و هستی خویش داوطلب شده و سلاح برگرفته و آماده جنگ با مزدوران طالبان شده اند، این ارتش حاضر به استفاده از چنین امکان مردمی برای نبرد با طالبان نمی باشد. به همین دلیل است که امروز در افغانستان صرفاً هجوم یک طرفه طالبان به مردم افغان مطرح است و نه جنگ بین ارتش افغانستان با طالبان. دلیل این امر هم آن است که ارتش موجود در افغانستان به علت ساختار امپریالیستی خود، نه یک ارتش ملی بلکه ارتش دست ساز امپریالیستهاست. این ارتش نه برای دفاع از منافع مردم افغانستان بلکه به خاطر پیشبرد منافع و سیاستهای خالق خود (امپریالیسم امریکا) ساخته شده و درست به همین دلیل است که افسار آن نیز در شرایط حیاتی در دست خود خالقانش و نه مردم و یا حتی دولت پوشالین افغانستان می باشد.

به موازات رها کردن قلاده طالبان مزدور توسط اربابانش علیه توده ها، ارتش افغانستان و فرماندهان آن نیز در مقابل نیروی طالبان همچون دانه های برف، آب شده اند و در نتیجه به گونه ای که خبرگزاری ها گزارش داده اند، اکنون میلیاردها دلار از سلاح ها و تجهیزات و ماشین آلات و زرادخانه های آن در سینی زرین تقدیم نیروهای طالبان گشته است که خود یک عامل اساسی برای تغییر توازن نیروی موجود بوده و در خدمت پیشبرد سناریوی قرار دارد که یکی از اهدافش تقویت طالبان و قدرت گیری این نیرو در افغانستان می باشد. این واقعیت هر انسان آگاه و آزادیخواه را به یاد مورد تسلیح چشمگیر مزدوران سیا ساخته داعش در عراق می اندازد که در هنگام تسخیر شهر موصل از آنجا که قرار نبود ارتش امریکا ساخته عراق در مقابل این نیروی مزدور مقاومت نماید، هزاران سلاح سنگین و نیمه سنگین به دست داعش افتاد به طوری که قدرت آتش و امکان بقای این نیروی ضد خلقی را تا سالها در عراق و سوریه مهیا ساخت و این نیروی بنیادگرای اسلامی امکان یافت جنایات توصیف ناپذیری را به نفع قدرتهای استثمارگر و امپریالیست و علیه توده ها مرتکب شود.

نمایش آشکار جنایتهای وحشیانه و دردآور مزدوران طالبان در حق مردم و به ویژه زنان و کودکان دختر، دهشت پراکنی سیستماتیکی که این گروه با قتل و غارت مناطق اشغال شده، با شکنجه و اعدام جوانان، با ربودن زنان و دختران کم سن و سال و به بردگی کشاندن آنها برای نیروهای مزدور خود و با اعلام حکومت "خلافت اسلامی" در همین چند روز اخیر به راه انداخته اند، باعث شده تا هزاران تن از مردم محروم افغانستان و به ویژه زنان تحت ستم و دلیر افغان از وحشت حضور دار و دسته فاشیست طالبان، آواره شده و به سوی مناطق تحت کنترل دولت و یا به مناطق دیگر و از جمله به ایران (آنهم در شرایطی که جمهوری اسلامی خود در خدمت به امپریالیسم امریکا یکی از پشتیبانان مهم هم کیش اسلامی اش، طالبان مرتجع می باشد) فرار کنند و در بدترین شرایط زیستی در ترس و وحشت به سر ببرند.

آنچه که امروز در افغانستان شاهد هستیم، نتیجه منطقی تداوم ۲۰ سال سیاست اشغالگری مستقیم امپریالیسم امریکا است که با تجاوز به این کشور، زیر لوای مبارزه با تروریسم و برقراری دموکراسی و آزادی برای مردم حیات و هستی توده

های تحت ستم را به خاک و خون کشید. امروز دو دهه پس از اشغال افغانستان و تمامی دردها و مصائب ناشی از این اشغالگری نه تنها هیچ یک از آن وعده های فریبکارانه امپریالیستها برای مردم محروم افغانستان متحقق نشده اند، بلکه این دشمنان قسم خورده خلقها، یک اقتصاد هر چه وابسته تر و تا خرخره مقروض، یک دولت پوشالین و عروسکی و یک ساختار حکومتی فاسد، ضد مردمی و ناکارآمد را برای مردم بر جای گذاشته اند و علاوه بر آن، در حال حاضر با باز کردن قلاده سگهای زنجیری خویش، مزدوران اسلامی سیا ساخته خود یعنی طالبان را نیز در ابعادی وسیعتر از قبل به جان مردم انداخته اند؛ همان طالبانی که بی نظیر بوتو نخست وزیر سابق پاکستان چندین سال پیش در زمان تبعید خویش، در مورد ماهیت آن رسماً اعلام کرد که: "فکر روی کار آوردن طالبان از انگلستان بود، مدیریت آن را امریکائی‌ها کردند، هزینه آن را سعودی‌ها پرداختند و من (دولت پاکستان) اسباب آن را فراهم آوردم و طرح را اجرا کردم".

در تحولات اخیر، چهره کثیف و وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی نیز در پیشبرد سیاست ضد مردمی امریکا در افغانستان بار دیگر به آشکاری در مقابل همگان قرار گرفته است. به رغم نفرت مردم ایران از سیاستهای جمهوری اسلامی در مورد طالبان، این رژیم نیز در پیشبرد سیاست اربابان مشترکش با طالبان با تمام قواء به یاری این مرتجعین اسلامی مزدور امریکا آمده، در خاک ایران به آنها پناهگاه داده، با تأیید امریکا برای آنها میز مذاکره با مقامات دولت افغانستان چیده، و بالاخره برای حمله به مناطق مختلف، آنها را متشکل و مسلح کرده و حتی پاسداران منفورشان به قول برخی رهبران طالبان "دوش به دوش" برادران طالب خود علیه مردم افغانستان جنگیده اند.

در باره علل تحولات جاری در افغانستان، باید به یاد آوریم که در دوران ریاست جمهوری اوباما و سپس ترمپ، برخی از سیاستهای ستراتیژیک بین المللی امپریالیسم امریکا در سایه تضادهای رشد یابنده و تشنجهای امریکا با چین و سایر قدرتهای امپریالیستی جهت گیری تازه ای پیدا کردند. بر این مبنا در جهت گیری های جدید، از جمله بر ضرورت کاهش تمرکز و حضور نظامی مستقیم نیروهای امریکائی در خاورمیانه و در عوض تقویت حضور نیروهای امریکائی در "منطقه ایندوپاسیفیک" تأکید شده است. سیاست ترک افغانستان و آنطور که از گزارشات منتشره بر می آید، کاهش چشمگیر نیرو در عراق و ترک احتمالی خاک آن کشور و حتی کاهش نیرو ها و پایگاه های امریکا در عربستان سعودی، ناشی از تغییر سیاستهای امریکا در منطقه است. در چارچوب این تغییرات بدون شک وجود و تقویت امکانات برای حیات و بقای یک خلافت اسلامی در مرزهای چین (و روسیه) در راستای این سیاست جدید، گامهایی هستند که امپریالیسم امریکا در پیشبرد ستراتیژی جدیدش برای مقابله با امپریالیستهای روسیه و چین در پیش گرفته است.

امروز حیات و هستی توده های رنجدیده افغانستان در معرض یکی از وحشیانه ترین یورش های مزدوران امپریالیسم امریکا قرار گرفته است. اگر درد و مصیبت غیر قابل تصور این توده ها از کمترین اهمیتی برای دشمنان مردم افغانستان و مراکز تصمیم گیری در میان قدرتهای امپریالیستی برخوردار است، اما تمام نیروهای آزادیخواه خود را همدرد این توده ها دانسته و به هر طریق می کوشند از آنان دفاع و پشتیبانی کنند و مسلماً یکی از این راهها، افشای چهره دشمنان واقعی مردم تحت مصیبت افغانستان می باشد. البته باید دانست که به صرف محکوم کردن بحق و هر چه شدیدتر مزدوران اسلامی موسوم به طالبان نمی توان برآستی به دفاع از این توده ها برخاست. چرا که نادیده گرفتن نقش امپریالیسم امریکا که با پروردن و رها کردن دار و دسته مزدور اسلامی یعنی طالبان به جان توده های تحت ستم افغان، مسبب اصلی وضع دردناک کنونی است، بی شک سلاخی حقیقت خواهد بود. واقعیت این است که وضعیت دردناک جاری در افغانستان حاصل سیاستهای ضد خلقی امپریالیستها و در رأس آنها دولت امریکا است که با کمک

رژیمهای وابسته و مرتجع منطقه نظیر جمهوری اسلامی و حاکمان عربستان و پاکستان و دولت عروسی و تا مغز استخوان وابسته و فاسد اشرف غنی و شرکاء و به دست مزدوران و نیروهای نیابتی و پیاده نظام امریکا یعنی طالبان، آن سیاست ها را پیش می برد. دفاع واقعی از حقوق مردم افغانستان با درک این حقیقت گره خورده است که امپریالیسم امریکا و مزدورانش و همه امپریالیستها دشمنان اصلی نه تنها مردم افغان، بلکه دشمن مشترک تمام خلقهای خاورمیانه می باشند.

در آخر باید تأکید کرد که تجربه تحولات دردناک جاری در افغانستان یک بار دیگر این حقیقت را عیان می سازد که چه توده های رنجیده افغانستان و چه دیگر خلقهای تحت ستم خاورمیانه تنها با مبارزه برای محو سلطه امپریالیسم و مزدورانش می توانند از سیاستهای ستمگرانه و سرکوبگرانه امپریالیستها رها گشته و به استقلال، نان، کار، مسکن و آزادی دست یابند.

مرگ بر امپریالیسم امریکا و سگان زنجیری اش در افغانستان و منطقه!

برقرار باد همبستگی مبارزاتی بین توده های ستمدیده افغانستان و ایران!

پیروز با مبارزات مردم ستمدیده افغانستان علیه امپریالیسم و بنیادگرانی اسلامی!

چریکهای فدائی خلق ایران

۲۳ مرداد [اسد] ۱۴۰۰ برابر با ۱۴ اگست ۲۰۲۱